

## عشوه ها و ريشوه ها

شيوه دربار تو افسونگري است      فرق بنهادن يکی بر ديگري است

هر کجا شياد و مست و رهزن است      مستشاران تو در هر برزن است

بينوا دهقان زراعت می کند      رهزنی بر وی امارت می کند

هر کجا عوری بپوشد پاره‌ای      از تنش بیرون کند بدکاره‌ای

این شعار و رسم دربار شماست      پیر تاریخ اندرین مطلب گواست

هر کجا سروی ز باغی سر کشید      عامل درباریان آذر کشید

غنچه‌ای از گلبنی تا لب گشود      زاغهای شه ورا غارت نمود

عیب بسیار است در کار ای پدر      حیف بند آید، زبان این پسر

شرم آید گر که تشریحش کنم      مو به مو تفسیر و تصریحش کنم

هر غلام شاه شاهي ديگر است      ز آن دعاگوی زعيم کشور است

